



اورمو بیلیم یوردونون اؤیرنچی سل، توپلومسال، یازینسال، بیلیمسل و ایلمان درگیسی

آلتینچی ایل - اون ایکینچی سای

۱۳۹۴ - جو گوش ایل - چایان (قیروو) آی

سایش: ۵۰۰ تومن



دنیز درگیسی نین قارشینیزداکی یئنی سایسی، آذربایجان تورک میللتی نین «ایرقچیلیغا قارشی» یورووشونه سونولموشدور. آذربایجان اؤیرنیجی توپلومونون کیچیک بیر پارچاسی اولاراق تورک میللتینه اولان آشاغیلامالاری قیناییر، میللتیمیزی ایللر بویو تاپدالانمیش حاق لارینا و ایستکلرینه قاووشدورمایا وار گوجوموزله چالیشاجاغیق.



محکومیت توهین وقیحانه صدا و سیما به تورکها توسط دانشجویان دانشگاه اورمیه روز دوشنبه هفته گذشته (۱۸ آبان) صدها نفر از دانشجویان دانشگاه اورمیه در اعتراض به توهین های صورت گرفته به ملت آذربایجان و زبان تورکی راهپیمایی و تحصن کردند.

دانشجویان دانشگاه اورمیه پس از راهپیمایی اعتراضی از مقابل رستوران مرکزی به سمت ستاد مرکزی دانشگاه، در محوطه بیرونی ستاد مرکزی دانشگاه تحصن کردند. پلاکاردهایی با شعارهای «تورک دیلینده مدرسه - اولمالیدیر هرکسه»، «WE ARE TURKS»، «اصل ۱۵...!»، «رسمیت زبان تورکی تنها راه پایان بخشیدن به نژادپرستی»، «تبعیض مساوی نیست با برادری»، «STOP RACISM NOW»، و... در تجمع روز دوشنبه به چشم می خورد. دانشجویان در این تجمع شعارهایی همچون «آذربایجان میللتی چکنمز بو ذیللتی»، «تورک دیلینده مدرسه» و «هارای هارای من تورکم» را سر دادند.

نمایندگان دانشجویان معترض در سخنرانی های خود ضمن محکوم کردن اقدامات نژادپرستانه و کم کاری های مسئولان، خواست ها و مطالبات خود را بیان کردند. یکی از دانشجویان ضمن انتقاد از عملکرد دولت و مسئولان؛ پایمال شدن حقوق زبانی، فرهنگی، اقتصادی و... آذربایجان را توهینی بسیار بزرگتر توصیف کرده که در طی سالیان گذشته زمینه را برای گستاخی ها و توهین ها فراهم کرده است. همچنین از دیگر نمایندگان دانشجویان حاضر، استفاده مسئولین و رسانه های دولتی از لفظهای «آذری» و «آذری زبان» بجای کلمه «تورک» را توهینی علیه ملت تورک آذربایجان قلمداد نموده و از آن انتقاد کرد. در ادامه با توجه به سابقه چنین توهین هایی (توزیع پرسشنامه نژادپرستانه صدا و سیما در سال ۱۳۷۴، توهین روزنامه دولتی «ایران» در سال ۱۳۸۵ و ...) دانشجویان خواستار تنظیم و اجرای اقدامات بنیادین جهت احقاق حقوق و حفظ کرامت آذربایجانی ها شدند.

درخواست صدور مجوز برای فعالیت «کانون آذربایجان شناسی» مهم ترین خواسته دانشجویان از مسئولین دانشگاه بود؛ کانونی که علی رغم درخواست تعداد زیادی از دانشجویان هنوز با صدور مجوز برای فعالیت آن موافقت نشده است. دکتر جهانگیرزاده نماینده مجلس شورای اسلامی و دکتر رحیم حبنقی رییس دانشگاه اورمیه با حضور در تجمع دانشجویان، وعده ی پیگیری صدور مجوز فعالیت «کانون آذربایجان شناسی دانشگاه اورمیه» را دادند. هم چنین دکتر حبنقی وعده داد «رشته زبان و ادبیات تورکی آذربایجانی» و «رشته زبان تورکی استانبولی» به زودی در دانشگاه اورمیه ایجاد گردد. به احتمال فراوان این وعده دکتر حبنقی در سفر رییس جمهور به استان آذربایجان غربی اجرایی خواهد شد.

گفتنی است این تجمع اعتراضی با استقبال چشمگیر دانشجویان در نهایت آرامش برگزار گردید؛ این در حال بود که مسئولین دانشگاه در روز قبل (روز یکشنبه) قصد کارشکنی در آن را داشتند و هیچ یک از تشکل های مدعی دانشجویی از تجمع اعتراضی دانشجویان حمایت نکردند. دکتر جهانگیرزاده نماینده مجلس شورای اسلامی، مسئولین دانشگاه و نمایندگان برخی تشکل های دانشجویی که شکاف بسیار عمیقی بین خود و خواست های به حق دانشجویان مشاهده می کردند، در سخنرانی ها و بیانیه های خود سعی در ترمیم این شکاف داشتند که در برخی موارد با اعتراض دانشجویان روبرو شدند.

دکتر جهانگیرزاده پس از محکوم کردن توهین های مطرح شده در این برنامه، این توهین ها را «سهوی» عنوان کرد که پس از اعتراض دانشجویان گفت: درست می گوید عمدی بوده است. دکتر حبنقی که در آغاز سخنان خود از کلمه «آذری» استفاده کرده بود با اعتراض دانشجویان مواجه شد و در بقیه سخنان خود از کلمه «تورک» استفاده کرد. دانشجویان تجمع کننده به بیانیه صادر شده یکی از تشکل های دانشجویی که در آن اقدام صدا و سیما را «سهوی» ذکر کرده بود، واکنش نشان دادند. این تجمع اعتراضی پس از قرائت بیانیه دانشجویان خاتمه یافت.



اعتراضات «ضد نژادپرستی» در دیگر دانشگاه‌های آذربایجان



در روزهای اخیر هزاران نفر از دانشجویان در دانشگاه‌های سراسری تبریز، تهران، ارمیه، زنجان، شهید مدنی آذربایجان، اردبیل و مراغه «ضد نژادپرستی» علیه تورک‌ها در ایران را محکوم کردند.

روز سه شنبه ۱۹ آبان ۹۴ صدها نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز مقابل ساختمان مرکزی این دانشگاه تجمع کردند. دانشجویان در این تجمع شعارهایی همچون «تورک دیلینده مدرسه»، «آذربایجان می‌لنتی، چکنمز بو ذیللتی»، «هارای هارای من تورکم»، «اورمو زنجان اردبیل، بو سس تبریزدن گلیر»، «آذربایجان اویاقدیر، اؤز دیلینده دایاقدیر»، «اؤلوم اولسون راسیزمه» سر دادند. پس از آن دانشجویان به تالار شهید شفایی رفته و بیانیه‌ای را در محکومیت توهین علیه ملت تورک قرائت کردند.



دانشجویان دانشگاه زنجان نیز ظهر سه شنبه ۱۹ آبان مقابل سلف ای بن دانشگاه تجمع کردند. در این تجمع دانشجویان معترض پلاکاردها بی با مضامین «تورک دیلی رسمی اولسون»، «هارای هارای من تورک م»، «زنگانلی لار قان وئر»، «اؤز دیلینده جان وئر»، «انا دیلینده مدرسه، اولمالی دیر هرکسه»، «هنیم دیلیم تورکودور، فاشیست دئییر آذری» در دست داشتند. یکی از دانشجویان در این تجمع اعتراضی به سخنرازی پرداخته و گفته است: «ما خواهان رسمی شدن زبان تورکی و پایان دادن به این گونه توهین‌ها بوده و نیز خواهان ایجاد فرهنگستان زبان و ادبیات تورکی و اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی می‌باشیم». همچنین دانشجویان دانشگاه زنجان طوماری در محکومیت توهین‌های مطرح شده در صدا و سیما امضا کردند.



همزمان روز سه شنبه دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان نیز در اعتراض به وقایع اخیر در آمفی تئاتر و در سالن دانشکده ادبیات تحصن کردند. در این تحصن دانشجویان شعارهایی همچون «آذربایجان وار اولسون، ایستمه‌ین کور اولسون»، «تورک دیلینده مدرسه اولمالیدیر هر کسه»، «آذربایجان میلیتی، چکنمز بو ذیللتی» سر دادند. مسئول نهاد رهبری دانشگاه با حضور در بین دانشجویان گفته است: اشتباهات صدا و سیما که موجب رنجش مردم ترک زبان شده با ید پیگیری شده و دیگر تکرار نشود و با بنیان این برنامه باید برخورد جدی صورت گیرد. رئیس دانشگاه پیشتر وعده صدور مجوز برای برگ زاری تحصن را داده بود که وی در جلسه آروز با نمایندگان دانشجویان از صدور مجوز برای تجمع و جمع آوری امضا امتناع کرد.



همزمان با دیگر دانشگاه‌ها، سه شنبه ۱۹ آبان ۹۴ دانشجویان دانشگاه مراغه در اعتراض به توهین‌های مطرح شده در صدا و سیما جمعی را در صحن این دانشگاه برگزار کردند. دانشجویان دانشگاه مراغه مقابل سلف این دانشگاه تجمع کرده و طوماری در محکومیت اتفاقات اخیر امضا کردند.



چهارشنبه ۲۰ آبان ۹۴ در سومین روز از تظاهرات جمعی از دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی با تجمع در محوطه سلف و روبه روی ساختمان اداری این دانشگاه اقدامات «نژادپرستانه» در صدا و سیما را محکوم کردند. در این تجمع شعارها و پلاکاردهایی همچون «آذربایجان میلیتی، چکنمز بو ذیللتی»، «آذربایجان وار اولسون، ایستمه‌ین کور اولسون»، «اؤلوم اولسون فاشیسمه»، «آذربایجان اویاقدیر اؤز دیلینده دایاقدیر»، «توهین‌له قارداشلیق اولماز»، «اؤز دیلینده مدرسه، اولمالی دیر هرکسه» و «اصل ۱۵» از سوی معترضان مطرح شد. با حضور رئیس نهاد نمایندگی رهبری و معاون دانشجویی و معاون فرهنگستان این دانشگاه پس از یک ساعت و با صدور بیانیه‌ای از سوی دانشجویان مبنی بر محکومیت افکار «نژادپرستانه» در رسانه‌های جمعی و برخورد قاطعانه با عاملان برنامه پایان یافت.



اعتراضات «ضد نژاد پرستی» در شهرهای آذربایجان

روزهای اخیر در شهرهای تورک نشین من جمله تبریز، تهران، اورمیه، اردبیل، زنجان، قم، مشکین شهر، مراغه، خوی، مرند، اهر، سولدوز، قوشاجای، شیراز (تورکان قاشقای)، پارساباد مغان و ... تجمعاتی در اعتراض به توهین صدا و سیما علیه ملت تورک برگزار شده بود که براساس گزارش‌ها با دخالت پلیس و بازداشت صدها نفر همراه بوده است. همچنین از دیگر ملل ساکن ایران، ملت‌های عرب و بلوچ هم در حمایت از توهین علیه تورک‌ها اقدام به تظاهرات «ضد نژادپرستی» کردند.



اعتراضات «ضد نژادپرستی» در اورمیه روزهای دوشنبه و چهارشنبه در خیابان‌های اصلی این شهر ادامه یافت، در اولین روز از تظاهرات همزمان با دیگر شهرهای آذربایجان صدها نفر از شهروندان اورمیه ای در خیابان امام و عطایی با سر دادن شعارهای «هارای هارای من تورکم»، «تورک دلیبنده مدرسه، اولمالیدیر هرکسه»، «آذربایجان میلیتی، چکنمز بو ذیلتی»... اعتراض خود را علیه توهین به ملت تورک نشان دادند. ۲۰ آبان ۱۳۹۴ در سومین روز اعتراضات «ضد نژادپرستی» در آذربایجان بار دیگر صدها نفر از شهروندان در شهر اورمیه پس از پایان دیدار والیبال شهرداری اورمیه و متین ورامین هنگام خروج از ورزشگاه غدیر با سر دادن شعارهایی اعتراض خود را به توهین‌های مطرح شده در صدا و سیما ابراز داشتند. در این تجمع معترضان شعارهای مشابه روز دوشنبه همچون «آذربایجان ایلمز، تورکون بئلی بوکولمز»، «هارای هارای من تورکم» و ... سر دادند. در جریان بازی والیبال شهرداری اورمیه و متین ورامین در سالن غدیر اورمیه نیز تماشاگران با سر دادن شعارهای مشابه اعتراض خود را به توهین‌های مطرح شده در ایران نشان دادند.



روز دوشنبه همزمان با اورمیه، اعتراضات در تبریز، اردبیل و میدان توپخانه تهران شروع شده بود. تظاهرات کنندگان ضمن محکوم کردن توهین قومی شبکه دو سیما جمهوری اسلامی ایران به ترکها، خواستار برخورد جدی با متخلفین و وضع قوانینی در زمینه مجازات توهینهای قومی و رفع آنچه که از آن تحت عنوان تبعیض نژادی در ایران نام می بردند شدند. تظاهرات «ضد نژادپرستی» در تبریز با حضور صدها نفر و با دادن شعارهای «هارای هارای من تورکم»، «آذربایجان وار اولسون، ایسته‌مه‌ین کور اولسون» و ... به طرف استانداری ادامه یافت. در اردبیل و شهرستان خیابان (مشکین شهر) هم مردم با سر دادن شعارهای مشابه اعتراض خود را به نژادپرستی علیه ملت تورک و تبعیضات صورت گرفته نشان دادند.

عصر روز دوشنبه ۱۸ آبان ۹۴ صدها نفر از شهروندان زنجان با حرکت از سبزه میدان این شهر با سر دادن شعارهایی «توهین‌های مطرح شده در صدا و سیما»، «تبعیض» و «نژاد پرستی» علیه تورک‌ها در ایران را محکوم کردند. هوشنگ جعفری شاعر زنجان در چهار راه انقلاب در سخنانی توهین برنامہ فیتله را شرح داده و توهین روزنامه ایران در سال ۸۵ را یادآور شد. وی همچنین احقاق حق تحصیل به زبان مادری را از مسئولان و دولت خواستار شد. تئلناز نعمتی سخنران دیگر این تجمع اقدام شبکه دو را «عامدانه» دانسته و با مثال آوردن از ممیزی کتاب گفت: در ممیزی از کتاب‌های تورکی حتی به یک کلمه مانند قره باغ یا بابک حساسیت نشان می دهند. چطور ممکن است در سازمانی به بزرگی صدا و سیما این توهین و اهانت سهو یا اشتباهی باشد. در این تجمع مسالمت آمیز شعارهایی همچون «آذربایجان وار اولسون، ایسته‌مه‌ین کور اولسون»، «تورک دیلی رسمی اولسون»، «تورک دلیبنده مدرسه، اولمالی‌دیر هر کسه» و «هارای هارای من تورکم» سر داده شد. تجمعی که از سبزه میدان زنجان آغاز شده بود تا چهار راه سعدی ادامه پیدا کرد.



در پنجمین روز اعتراضات «ضد نژادپرستی» آذربایجان ده‌ها نفر از شهروندان تورک در شهر قم با تجمع در میدان توحید این شهر به توهین‌های مطرح شده در صدا و سیما اعتراض کردند. جمعه ۲۲ آبان ۹۴ ده‌ها نفر از شهروندان تورک در شهر قم با حرکت از بلوار منتظری به سوی میدان توحید اعتراض خود را به توهین‌های مطرح شده در صدا و سیما اعتراض کردند. معترضان در تجمع شعارهایی همچون «هارای هارای من تورکم»، «حسین حسین شعار یمیز، تورک اولماق افتخاریمیز»، «تورک دلیبنده مدرسه اولمالیدیر هرکسه» سر دادند. شهروندان تورک در شهر قم با حمل پلاکاردهایی با مضمون «تورک دیلی رسمی اولسون» خواستار اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی شدند.



ما انکار شما را پشت سر گذاشته‌ایم / ایواز طاها

۱. بار دیگر بخشی از سیاست تبعیض نژادی رسانه‌ی خودخوانده‌ی ملی از لای قبایش بیرون افتاد. این دهنده‌ی تنبل و مدعی، روزگاری به دلیل نابودی قهری رقیبان‌اش، نبض افکار عمومی را تا حدودی در دست داشت، و چندان فعال ما یشا بود که گمان می‌کرد همیشه اوضاع بر وفق مرادش خواهد بود. تا جایی که مرحوم مرتضی مطهری گمان کرده بود اگر آن را روزانه نیم ساعت در اختیار داشته باشد، جامعه‌ای تواند ساخت لنگه‌ی حوزه‌ی علمیه قم. اما این آرزو نتیجه‌ی دلخواه را بیار نیآورد و راه اندازی شبکه پشت شبکه، جامعه را اصلاح نکرد. زیرا به دلیل عدم تنوع در صداها و ارائه‌ی خبرهای نادرست، کتمان اطلاعات مورد نیاز در حوادث مهم، تحلیل‌های سراسر جانبدارانه، احتکار خوبی و راست‌گرداری در انبان "خودی" و انتساب زشتی‌ها و بدکرداری‌ها به "دیگری" رفته رفته اعتبارش آسیب جدی دید. وقتی ماهواره و اینترنت از راه رسیدند، روز به روز منزوی‌تر و منفورتر شد. اینک در زیر پوست شهر، جامعه‌ی دیگری شکل گرفته بود که به رسانه‌های دیگری نیاز داشت. چرا که رسانه‌ی خودخوانده‌ی ملی به جای خواسته‌ها، نیازها و آرزوهای این نسل، اضطراب‌ها و نفرت‌های نهاد قدرت را منعکس می‌کرد. به رغم همه‌ی تکذیبیه‌ها، جامعه‌ی جدید حقیقتاً وجود داشت و عینی‌ترین نشانه‌هایش در پوشش زنان بیرون زده بود.

۲. وقتی ماهواره و اینترنت آمدند، با همه‌ی بگیروبیندها، برروی بام پریدن‌ها، فیلتربازی‌ها و انسداد فیزیکی مجاری گردش اطلاعات، رسانه‌ی خودخوانده‌ی ملی پای در گل ماند. در برابر بی‌بی‌سی فارسی قافیه‌ی خیرش را باخت و برنامه‌های سرگرم کننده‌اش تقلیدی شد از "من و تو" که هیچکدام یک‌هزارم فضا و بودجه و امکانات داخلی را نداشتند. آنها دوسه فرستنده‌ی چند واتی داشتند برروی یکی دو ماهواره که در حال عبور از میدان مین پارازیت باید به مخاطبان‌شان می‌رسیدند. مخاطبانی که در زمین با هزاران فرستنده‌ی افام، موج متوسط و موج کوتاه رادیویی، وی‌اچ‌اف و یو‌اچ‌اف تلویزیونی پر قدرت در هر دهکوره‌ای به همراه سایت‌های رنگارنگ و قانون‌گریز اصحاب قدرت و روزنامه‌های سربرده در آخور بیت‌المال احاطه شده بودند.

۳. (...)

۴. آن کاریکاتوریست و این هنرپیشه‌ی کارت‌پستالی، متهمان و عاملان اصلی نژادپرستی نیستند. این مفکوره در کتاب‌های درسی، در شوراهای فرهنگ عمومی، در سخنرانی‌های روشنفکران ظاهراً متواضعی چون علی معلم و نصرالله پورجوادی بازتولید می‌شود. و چندان تکرار و تکرار می‌گردد که از حالت گفتمان هرمونیک به صورت واقعیت جاری و حقیقت بی‌چون‌وچرا جلوه می‌کند. وقتی این دیدگاه در ناخودآگاه افراد رسوب کند آن موقع اگر کسی برای احیای زبان فارسی در بخارا گریبان ببرد و دلار دولتی خرج کند، پان ایرانیست نامیده نمی‌شود، اما من اگر نگران فروردن زبان مادری‌ام در تبریز به سبب هجوم کتاب‌های درسی و تلویزیون و بی‌مبالاتی مسئولان خودباخته‌ی مردم، پان‌تور کیست نامیده می‌شوم.

۵. این فرهنگ واقعیت محض نیست. چیزی است داده شده. این برساخته‌ی رضاخانی به عنوان واقعیت‌گریزناپذیر داشت کار خودش را می‌کرد که پیشه‌وری بزرگ شکافی در آن انداخت. شکافی که رسانه‌های شاهنشاهی سال‌های سال با تبلیغات زهرآگین در پی ترمیمش بودند. (...). اگر حرکت دمکرات‌ها اهمیت نداشت، از رادیو شاهنشاهی گرفته تا فرهنگستان حداد عادل، و از محمود افشار گرفته تا کاوه بیات عمرشان را برای تحریف خواست آزادی‌طلبانه‌ی ملتی به هدر نمی‌دادند. شکاف دوم متعاقب انقلاب ۵۷ اتفاق افتاد که با شروع جنگ به محاق فراموشی رانده شد. شکاف سوم پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بود و شکاف چهارم با ظهور اینترنت و گسترش شبکه‌های اجتماعی. اینک در دورافتاده‌ترین نقطه‌ی آذربایجان نیز توهین‌های نژادی، تف سربالایی بیش نیست و صرفاً موجب بی‌ابرویی گوینده‌اش است.

۶. جوک‌هایی که علیه تورک‌ها گفته می‌شوند یک مضمون بیشتر ندارند: فخر فروشی نژادی. شگفتا! این فخر فروشی از آن ملتی است که شماری بزرگ از آنها برای گریز از مام میهن اسیر دریاها هستند. همان ملتی که اینک از لحاظ اقتصادی، از لحاظ آزادی بیان، از لحاظ سلامت اجتماعی در رده‌های آخر ایستاده است، و از لحاظ افسردگی، مصرف داروهای روانی و مواد مخدر، مرگ‌ومیر جاده‌ای و فساد اداری در رده‌های اول. (کارگران ایرانی یک کارگاه خیاطی در استانبول، در اوقات استراحت پشت سر کافرمایشان جوک می‌بافتند. گفتم می‌دانید اینها چه می‌گویند. گفت: آری من دلم برای اینها می‌سوزد چون کسی که در فقر فلاکت دیگری را از خود پست‌تر بداند به یقین دچار بیماری مهلکی است.)

۷. نه توهین، نه تحقیر، نه زندان و نه باران اتهامات از تریبون‌های رسمی و خرج دل‌های نفتی برای برساختن فرهنگ عمومی از طریق امحای هویت ما، نمی‌تواند بر شکافی که شرط وجود هر جامعه‌ای است پلی زند. ما به یاری کردار زورمندانه و کلمات دگرسنیزانه‌ی شما تکلیف را فرو گذاشته و حقمان را شناخته‌ایم. حقی که یکی از شروط تحقق عدالت و آزادی است. ما انکار شما را پشت سر گذاشته‌ایم.



دلایل شعله ور شدن آتش "فیتیه" در آذربایجان / احمد هاشمی، کارمند پیشین وزارت خارجه

انتشار یک نمایش توهین آمیز در یکی از بخش‌های برنامه تلویزیونی "فیتیه"، واکنش گسترده ای را در مناطق تورک‌نشین ایران به همراه داشت. این نخستین بار نیست که تورک‌ها نسبت به آنچه که از نگاه آن‌ها تحقیر و تبعیض ساختاری در ایران تلقی می‌کنند دست به اعتراض می‌زنند و احتمالاً آخرین مورد هم نخواهد بود.

این نوشتار بر آن است تا به علل بنیادین اعتراضات اخیر بپردازد ولی پیش از آن نگاهی به تاریخچه اعتراضات مدنی در آذربایجان بیاندازیم. آذربایجان و بویژه تبریز نقش برجسته‌ای در ورود تجدید، آزادی‌خواهی و مشروطه به ایران داشت ولی با به قدرت رسیدن خاندان پهلوی و پیگیری سیاست یکسان‌سازی زبانی در ایران، غیرفارسی‌زبانان و از جمله تورک‌ها احساس کردند از کانون حیات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور به حاشیه رانده شده و مورد تبعیض قرار گرفته‌اند.

آذربایجان که فشار مضاعفی را احساس می‌کرد در شکل‌گیری انقلاب سال ۱۳۵۷ نقش عمده‌ای ایفا کرد و پس از وقوع انقلاب هم با سازمان‌یابی در قالب "حزب خلق مسلمان" و قرار گرفتن در پشت آیت الله شریعتمداری تلاش کرد به شکلی هر چند محدود، مطالبات فرهنگی و زبانی خود را مطرح کند.

با قدرتیابی جریان اصلاحات در ایران هم‌زمان با انتخاب محمد خاتمی به ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶ و گسترش نسبی آزادی‌های سیاسی و حزبی در کشور باعث شد مطالبات اقوام برای نخستین بار در جمهوری اسلامی بطور جدی امکان ظهور و بروز پیدا کند.

یکی از شاخص‌ترین نمادهای عینی جنبش هویت طلبی و "بازگشت به خویشتن" در آذربایجان در دوره پس از انقلاب، قهرمان‌سازی از شخصیت‌های بابک و ستارخان و برگزاری مراسم‌های گرامی‌داشت برای آن‌ها بود. با وجود فضای امنیتی و سرکوب شدید، مراسم گرامی‌داشت بابک از سال ۱۳۷۹ به این سو، در دومین هفته تیرماه هر سال که فعالان آذربایجانی آن را "هفته بابک" می‌نامند برگزار می‌شود و به فرصتی برای اعتراض به سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت و طرح مطالبات زبانی و فرهنگی تورک‌ها تبدیل شده است. انتشار یک کاریکاتور جنجالی با عنوان "چه کنیم سوسک‌ها سوسکمان نکنند" در ۲۲ اردیبهشت سال ۱۳۸۵ در روزنامه ایران تظاهرات اعتراضی گسترده و چند روزه‌ای را به همراه داشت که به عنوان نقطه عطفی در جنبش برابری‌خواهی و ضدتبعیض مردم آذربایجان ثبت شد.

با این وجود، بی‌صداترین و در عین حال معنادارترین حرکت اعتراضی آذربایجانی‌ها پس از سرخورده شدن از وعده‌های بی‌پشتوانه اصلاح طلبان، با عدم همراهی آنها در بزرگ‌ترین تظاهرات ضدولتی بعد از انقلاب، موسوم به جنبش سبز در سال ۱۳۸۸ رقم خورد که از آن به عنوان "قهر تبریز" با جنبش سبز یاد شد. تورک‌ها که نسبت به بی‌تفاوتی میرحسین موسوی نسبت به مطالباتشان خشمگین بودند او را در جنبش سبز تنها گذاشتند.

موارد فوق از جمله مناسبت‌هایی بودند که مردم آذربایجان با بهره‌برداری از آنها تلاش کردند گلایه‌های خود از حاکمیت را نسبت به فضای توهین و تحقیر و تبعیض مطرح کنند. حالا به نظر می‌رسد برای از بین بردن علل ریشه‌ای نارضایتی‌ها، توجه به نکات بنیادین ذیل دارای اهمیت می‌باشد:



یک- اقرار به وجود مشکل تورک

اقرار به وجود یک مشکل، گام نخست در یافتن راه‌حلی برای آن می‌باشد. پس از پیدایش جنبش مدنی حقوق سیاه‌پوستان در دهه ۱۹۵۰ در آمریکا و اعتراف به وجود تبعیضات گسترده بر ضدسیاهان باعث شد تلاش‌ها در جهت رفع این تبعیضات تقویت شود. همچنین در کشور ترکیه، اعتراف به وجود "مساله کرد" در دو دهه اخیر و دست برداشتن از سیاست ناکارآمد انکار این اقلیت تحت عناوین مختلفی از قبیل "تورک کوهی"، باعث بهبود استانداردهای حقوق بشری در این کشور شد. در این راستا، روشنفکران، سیاستمداران و نخبگان ایرانی هم نیاز به تجدید نظر در سیاست‌های خود و اقرار به وجود "مساله تورک" دارند.

دو- پذیرش هویت تورکی آذربایجان

شناسایی هویت تورکی آذربایجان دومین گام پایه‌ای برای پرداختن به مشکل و برآوردن مطالبات مدنی و فرهنگی تورک‌ها می‌باشد. غوطه‌ور شدن در تئوری‌های غیرسودمند از جمله نظریه زبان آذری باستان و بحث‌های بی‌سرانجام تاریخی و دستاویز قرار دادن آن‌ها برای سیاست تبعیض و انکار تورک‌ها و زبان تورکی در ایران امروز در قالب بکار بردن عبارت انکارگرایانه و توهین‌آمیز "آذری"، صرفاً صورت مساله را پاک خواهد کرد. بکار بردن واژه آذری برای تورک‌ها همانند استفاده از عبارت "تورک کوهی" برای توصیف کردهای ترکیه می‌باشد که علاوه بر توهین آمیز بودن، انکار کننده هویت یک گروه قومی هم هست.

ممکن است کلمه "آذری" در گذشته بدون هر گونه حساسیت و بار سیاسی هدفمند و بخصوصی، برای بخش‌هایی از ساکنان مناطق شمالی کشور مورد استفاده قرار می‌گرفته باشد ولی امروز از دید بخش قابل توجهی از تورک‌ها، این کلمه معادل نژادپرستی و کلیدواژه تحقیر و انکار هویت تورکی آذربایجان می‌باشد.

از همین رو، شعارهای اصلی تظاهرات اعتراضی روزهای اخیر در آذربایجان عبارت بودند از "نژادپرستی را متوقف کنید"، "هاری هاری من تورکم" (فریاد فریاد من تورک هستم و آذری نیستم) و "تورک دیلینده مدرسه اولمالیدیر هر کسه" (باید همه از امکان تحصیل به زبان تورکی در مدارس برخوردار باشند). از آنجایی که این شعارها تأکیدی بر رد تئوری‌های نفی‌کننده هویت و زبان تورکی در آذربایجان می‌باشد، اعتراف به هویت تورکی آذربایجان و توجه به مطالبات زبانی و فرهنگی مردم آن از جمله حق تحصیل به زبان مادری، پیش شرط دستیابی به هر گونه راه‌حلی می‌باشد.

سه- رفع تبعیض ساختاری بر ضد اقوام در ایران
رفع تبعیض ساختاری، از جمله ملزومات برآورده کردن مطالبات اقوام ایرانی و بویژه تورک ها می باشد. بطور مثال نمی توان شاهد وضعیتی بود که در آن بخش عمده نفت ایران از مناطق عرب نشین کشور استخراج شود ولی این مناطق در زمینه توسعه و بهره برداری از درآمد حاصل از صادرات نفت، کمترین سهم را داشته باشند. در یک چنین وضعیتی، نخستین موضوعی که به ذهن متبادر می شود وجود تبعیض سیستماتیک بر ضد مردم یک منطقه بخاطر زبان و قومیت متفاوت آن می باشد. هر چند تورک ها به طور نسبی از تبعیض اقتصادی کمتری رنج می برند ولی این تبعیض در زمینه امکان تحصیل به زبان مادری بسیار فاحش است.

چهار- تبدیل رویکرد امنیتی- نظامی به نگاه فرهنگی به اقوام
یکی از وعده های انتخاباتی دولت حسن روحانی، توجه بیشتر به مطالبات اقوام ایرانی بود. او وعده تشکیل فرهنگستان زبان تورکی را داد و علی یونسی را به عنوان دستیار ویژه خود در امور اقوام و اقلیت های دینی و مذهبی معرفی کرد ولی صرف انتخاب فردی دارای پیشینه اطلاعاتی و امنیتی، نشاندهنده وجود یک نگاه امنیت محور به اقوام است.
نکته دیگر اینکه در روزهای اخیر، شاید آزردهنده تر از برنامه فیتیله، پدیده انتقاد بی سابقه از اعتراضات مردمی اخیر آذربایجان به بهانه تجزیه طلبی و خطر فروپاشی کشور بود. این در حالی است که بهانه جویی هایی از این دست با واقعیت سازگار نیست و پراکندگی تورک ها در حتی جنوبی ترین استان های ایران، امکان تجزیه طلبی را اگر نه غیر ممکن دست کم دشوار کرده است و این تبعیض ساختاری حاکم بر کشور است که می تواند به تشدید واگرایی میان اقوام دامن بزند.
بنابراین، با گذار از رویکرد امنیتی- نظامی به نگاه فرهنگی به مقله اقوام، تورک ها نه به عنوان تهدیدی بر ضد امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور که به عنوان فرصتی برای تبادل فرهنگی، همکاری سیاسی منطقه ای و سفیران تعمیق مناسبات اقتصادی با کشورهای همجوار مطرح خواهند شد.

ایشین ان ایبرنج طرفی اوشاق لارین هدفه آیینمسی دیر / اسوالان

باش و تمیش بو حادثه نین ان ایبرنج طرفی آیری سئچکیلی یین اوشاق لار واسطه سیله آباریلماسی دیر:
ایران تئللکانالیندا یایملانان بو اوشاق وئرلیشی اولکی وئرلیشلردن فرقلی اولاراق تور کجه یایملانیردی. بیز ایندییه قدر ایرانین دؤولت کانالیندا تور کجه وئرلیشله قارشیشامامیشدیق و وئرلیش باشلاندا اونون آرخاصیندا بیر حیلله دایاندیغینی درحال حیسس اتمیشدیق. وئرلیشین سونوندا آرتیق مقصدین تورکلری مدنیتسیز و هئچ نه یی باشا دوشمه یین اینسان لار کیمی گؤسترتمک اولدوغونو آنلادیق. دوشونورم کی، بو، ایرانین ۱۰۰ ایللیک میللتچی سیاستی نین نؤوبتی تظاهرو ایدی، تورک اوشاق لاری اؤزگورون و غروردان محروم ائتمک بو سیاستده زامان-زامان اورتایا چیخیر. تأسف کی، اون لار اوشاق دونیاسینی بو جور زده م یین نئجه بؤیوک خطالارا یول آچاچاغینی هئچ دوشونمه بیبلر ده.
اسوالان بو تحقیر نتیجه سینده ایرانین آذربایجانلی لار یاشایان بوتون شهرلرینده بؤیوک اعتراضلار لارین باشلاندیغینی دئییر. او، باش وئرلره گؤره ایران تی وی-سینین عذر ایسته مەسی و وئرلیشین باغلاتماسینی دا یئترلی سایمیر:
"۲۰۰۶-جی ایلده بیر ایران فرئتینده آذربایجانلی لارا قارشلی چکیلمیش کاریکاتورانین مؤلفی نین ده حبس اولونماسی نین طرفداری اولمامیشیق، ایندی ده معلوم اوشاق وئرلیشی نین یاردیجی لاری نین جزالاندیریلماسی نین طرفداری دئییلیک، چونکی بئله شئی لر ایرانین دؤولت سیاستیندن ایره لی گلیر و تکرار-تکرار باش وئرله جک. بیز ایستردیک کی، ایران دؤولتی اؤزونون فارس مرکزچی سیاستینی دیشدیرسین، ایران کونستیتوسیواسی نین بیزه تانیدیغی میلیلی حاق لاریمیزی محدودلاشدیرماقدان آل چکسین.



چرا تورکها از فیتیله ناراحت شدند؟ / رضایی

... بله! کسی که اشتباهها از فرجه توالت به عنوان مسواک استفاده کرد، بالاخره باید به یک زبانی حرف می زد. چرا این که به تورکی حرف زد، بخشی از شمال غربی ایران را عرصه درگیری های گسترده خیابانی کرده است؟ اگر با لهجه اصفهانی حرف می زد، شاهد به خاک و خون کشیده شدن اصفهان بودیم؟ اگر فارسی معیار تهرانی حرف می زد چه؟ عاشورای ۸۸ تکرار می شد؟

وقتی در یک نوشته، فیلم، موزیک و ... کلیشه ای "منفی" علیه یک گروه اجتماعی بازتولید شود، در واقع این آن ستم، تبعیض و تحقیر است که بازتولید شده است. هرچه گستردگی رسانه ای که کلیشه را بازتولید می کند بیشتر باشد، واکنش ها گسترده تر خواهد بود.

یک مثال، باز هم از جنسیت زدگی: فعالان زنان معترضند به این که در تلویزیون ایران، برای تبلیغ کالاها و خدمات مربوط به خانه داری، اعم از نظافت، آشپزی و ... فقط زنان مسئول این کارها نشان داده می شوند.

فرض کنید کسی در مورد چنین اعتراض هایی، بگوید: «خب بالاخره یک نفر باید این کار را بکند. اگر یک مرد باشد، چرا مردان اعتراض نکنند که مگر این کار فقط وظیفه مردان است؟»

پاسخ این است که اگر روزی چنین تبلیغی ساخته شود که در آن مردی در حال عوض کردن پوشک بچه اش است، هیچ کس چنین برداشت نمی کند که این تبلیغ در حال بازتولید کلیشه «مرد خانه دار» است. اساسا چنین کلیشه ای وجود ندارد.

تلویزیون دولتی ایران، پرمخاطب ترین رسانه فارسی زبان دنیاست. کلیشه تحقیر آمیزی علیه یک گروه بزرگ (به لحاظ کمی) در آن به شکلی تحقیر آمیز بازتولید شده است.

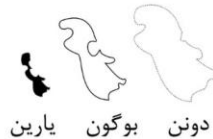
ربط دادن اعتراض ها به بی جنبه بودن و پایین بودن آستانه تحمل مردم آذربایجان، نشانی غلط دادن است. ما یک عمر بازیگر نقش اول جوک هایی بوده ایم که در آن ها با حماقت مان موجبات خنده دیگری قطعا و یقینا غیرتورک را فراهم کرده ایم...

STOP RACISM
AGAINST TURKS
in IRAN
**STOP
RACISM
NOW**
İRANDA TÜRLERE QARŞI
İRQÇILIĞA SON!

توهين يعنى

ما يادمان برود بايد از صدا و سيما بخواهيم شبکه‌های سراسری تورکی تاسيس کند.
از آموزش پرورش بخواهيم زبانمان را تدریس کند.
از آموزش عالی بخواهيم دانشکده زبان و ادبیات تورکی تاسيس کند.
از وزارت کشور بخواهيم زمينه شکل گیری احزاب منطقه‌ای را فراهم کند.
از آقای روحانی بخواهيم سرنوشت فرهنگستان موعود زبان تورکی در انتخابات را به دست شعبده بازان استانی نسیپارد.
توهين يعنى ما اعتراض کنیم و آنها عذرخواهی کنند و دوباره به جای اولمان برگردیم تا توهینی دیگر...

سیدحیدر بیات



دونن بوگون یارین

نشریه دانشجویی فرهنگی، ادبی، هنری، علمی و ورزشی

دانشگاه اورمیه

امتیاز بییه‌سی: احسان سلماسی

سوروملو مودور: یاسر رنجبری

باش یازار: ندا مقرب

گرافیک و دوزنلمه: احسان سلماسی

تلفون: ۰۹۳۷۸۹۶۲۶۷۶

وبلاگ: www.urmudenizi.arzublog.com

ایمیل: urmudenizi@gmail.com

فیسبوک آدرئسی: www.facebook.com/deniz.dergisi